

فصلنامه مطالعات قرآنی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، تابستان ۱۴۰۰، صص ۸۷-۱۰۶

جریان شناسی سوره احزاب

روح الله زاهری*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۱۳

چکیده

قرآن کریم که سراسر نور و هدایت است در ابعاد مختلف زندگی بشر، هادی و راهنماست. در این مقاله یکی از سوره‌های قرآن کریم انتخاب گردیده و با محور قرار دادن سوره مبارکه احزاب با بررسی یکی از موضوعات این سوره به موضوع جریان شناسی پرداخته شده است. در این سوره مباحثی مانند «ظهار، پسرخواندگی، اولوالارحام، جنگ احزاب(خندق)، اهل کتاب(یهودیان بنی نضیر و...)، اطاعت نکردن از کفار و منافقین، ازدواج، طلاق، حجاب، اجازه گرفتن هنگام ورود به منزل، جریان افک، عرضه امانت الهی بر انسان و...» بیان شده است ولی در این نوشتار با تمرکز بر جریان جنگ احزاب(خندق) صرفاً به موضوع «جریان شناسی» پرداخته می‌شود. روش جمع‌آوری مطالب در این گفتار به صورت روش کتابخانه‌ای و با استفاده از نرم افزارهای تفسیری و حدیثی و استفاده از سایت‌های مختلف قرآنی می‌باشد.

کلیدواژگان: قرآن کریم، سوره احزاب، جریان شناسی، نفاق.

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، مدرس معارف اسلامی دانشگاه پیام نور ایلام.

rohollahzaheri1360@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم اقیانوسی عظیم و بس عمیق از علم لایزال الهی است که طی قرن‌های متمادی همچون چراغی بر عالم پرتوافشانی کرده و تشنگان علم و هدایت را به سمت سعادت رهنمون می‌شود. در این مقاله سعی شده یکی از گنجینه‌های تابناک این کتاب الهی مختصر سخنی به میان آید. در این گفتار بر آن‌ایم که موضوع جریان شناسی در سوره مبارکه احزاب را مورد کنکاش قرار داده و از آیات قرآن کریم در این سوره مبارکه حداکثر استفاده را در شناخت جریان‌های مختلف سیاسی، اجتماعی عصر رسالت و تطبیق آن با مسائل و جریان‌های عصر حاضر بنماییم.

در این سوره به جریان‌ها و موارد مختلفی اشاره شده است. لذا با توجه به اینکه هدف در اینجا بیان نوع جریان شناسی است بدون ورود به سایر مباحث این سوره، صرفاً به موضوع مطرح شده یعنی جریان شناسی در ضمن جنگ احزاب پرداخته می‌شود. برای این منظور آیات نهم تا بیست و هفتم سوره احزاب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این آیات در مورد یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخ اسلام یعنی جنگ احزاب بحث می‌کند. جنگی که در حقیقت نقطه عطفی در تاریخ اسلام بود و کفه موازنه قوا را در میان اسلام و کفر به نفع مسلمین بر هم زد و پیروزی در آن کلیدی بود برای پیروزی‌های بزرگ آینده، و در حقیقت کمر دشمنان اسلام در این غزوه شکست و بعد از آن نتوانستند کار مهمی صورت دهند. جنگ احزاب چنانکه از نامش پیداست مبارزه همه جانبه‌ای از ناحیه عموم دشمنان اسلام و گروه‌های مختلفی بود که با پیشرفت این آیین منافع نامشروعشان به خطر می‌افتاد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۷: ۲۱۶).

در ابتدای این نوشتار به طور خلاصه، مختصری از جریان جنگ احزاب بیان می‌گردد.

پیشینه تحقیق

در مقاله‌ای تحت عنوان «جریان شناسی عصر رسول (ص)» مختصراً مطالبی بیان شده است و مقاله‌ای تحت عنوان «نقش آیات تعلیل در سوره احزاب» مختصری به جریان پرداخته است ولی در این نوشتار کامل جریان را مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم.

جنگ احزاب

قبل از آغاز بحث در زمینه جریان شناسی در سوره احزاب باید دانست که این سوره مبارکه از سوره‌های مدنی است که دارای ۷۳ آیه می‌باشد و سال آغاز نزول آن بنا بر گفته اکثر مؤرخان سال پنجم می‌باشد. از نظر لغوی نیز ریشه کلمه از الحزب به معنای گروهی از مردم می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۳۰۸).

جنگ احزاب یا خندق از حوادث مهم سال پنجم هجری (به گفته اکثر مؤرخین) می‌باشد که در این جنگ که با اتحاد کفار و اهل کتاب و همچنین با کمک‌هایی از سوی منافقین صورت گرفت فرماندهی سپاه کفر با/بوسفیان و در طرف مقابل فرماندهی سپاه اسلام نیز بر عهده حضرت ختمی مرتبت (ص) بود. جرقه آغاز جنگ بنا بر نقل محققین اسلامی به این صورت بود که جماعتی از یهود مثل سلام بن حقیق نضری و حی بن اخطب و نفری از بنی‌والیه چون معلوم داشتند عداوت/بوسفیان و قریش را با پیغمبر، از مقام خود بیرون آمده به مکه رفتند با/بوسفیان ملاقات کرده احوال خود را گفتند که از آن حضرت بما علی الاتصال ألم می‌رسد و اظهار عداوت رسول الله (ص) کردند که ایشان یهود را بر قتال پیامبر اکرم (ص) نصیر و ظهیر باشند (زواره‌ای، ۱۳۸۲ش، ج ۱: ۲۷۸). این جنگ که سومین جنگ بین این دو قطب مخالف یعنی قطب کفر و شرک و قطب اسلام بود تفاوتش با جنگ‌های قبلی در این بود که در این نبرد، یهودیان اهل کتاب نیز که با کینه توزی فراوان مترصد فرصت مناسب برای براندازی نظام اسلامی بودند علاوه بر تحریک کفار برای جنگ با مسلمانان عملاً با کفار همراهی کرده و با نقض پیمان که قبلاً با مسلمانان بسته بودند وارد جنگ علیه اسلام شدند و کینه‌های قلبی و پنهان خود را آشکار نمودند. در این جنگ نابرابر؛ این اتحاد شوم همانطور که در ادامه می‌آید به هیچ یک از اهداف خود نرسید و مسلمین با توکل بر خداوند منان و فرماندهی پیامبر اکرم (ص) و رشادت و پایمردی اصحاب پیامبر (ص) خصوصاً امام علی (ع) به سلامت از این حادثه عبور کردند و اتفاقاً اثرات بعدی این جنگ تأثیرات بسیار زیادی در رشد و گسترش و پیروزی‌های بعدی مسلمین داشت و خود عاملی برای نابودی و ریشه کنی دشمنان اسلام گردید.

علل و اهداف در جنگ احزاب

در جنگ احزاب که در سال پنجم هجری و بعد از جنگ احد واقع گردید بار دیگر جریان کفر و شرک در مقابل جریان اسلام و توحید قرار گرفت تا نظام توحیدی اسلام را این بار به طور کامل ریشه کن سازد. آری هدف جریان کفر براندازی کامل نظام اسلامی بود که بر پایه مکتب توحید و یکتاپرستی بنا شده بود، نیروهای شیطان عزم خود را برای موفقیت در این کار کاملاً جزم کرده و با بسیج نیروهای خود اعم از کفار و مشرکین مکه و خصوصاً قبیله قریش و هم پیمانانشان از یک طرف و از طرف دیگر اتحاد قبیله‌های از یهودیان اطراف مدینه یعنی بنی نضیر و بنی قریظه و با کمک جریان نفاق و منافقین که در میان صفوف مسلمین نفوذ کرده بودند قصد داشتند که کار اسلام و دین توحیدی نوپا را یکسره سازند. در این جنگ جریان اسلام در مقابل جریان‌های مختلفی قرار گرفته بود که هدف همگی آن‌ها محو و نابودی دین اسلام بود. جریان کفر به همراه جریان‌های یهودیان ساکن اطراف مدینه که در قرآن کریم از آن‌ها به عنوان اهل کتاب یاد شده است و نیز همراهی جریان نفاق و منافقین ساکن مدینه که در میان مسلمانان می‌زیستند در اتحادی شوم علیه جریان توحیدی اسلام صف آرایی کردند. در این گفتار برای درک بهتر شرایط موجود در جنگ به صورت جداگانه‌ای و به طور مختصر جریان‌های درگیر که عبارت‌اند از جریان اسلام، جریان کفر، جریان یهودیت ساکن مدینه (اهل کتاب) و جریان نفاق پرداخته می‌شود.

هدف مشترک دشمنان اسلام

در این جنگ نابرابر، کفار و مشرکین مکه و همچنین یهودیان اهل کتاب و نیز منافقین داخل مدینه یک هدف مشترک را دنبال می‌کردند. اگرچه قبلاً حرکت‌هایی برای تضعیف نظام اسلامی صورت داده بودند ولی در اینجا دیگر هدف این بود که به طور کامل نظام اسلامی را ریشه کن سازند و با به قتل رساندن پیامبر اکرم (ص) و همراهان ایشان نام اسلام و مسلمین را برای همیشه از صفحه تاریخ و از اذهان محو نمایند و برای انجام این امر دست به دست هم داده و با تمام قوا به جنگ اسلام و مسلمین آمدند و بر حسب معادلات خود پیروزی قطعی و کامل را از آن خود می‌دانستند.

دستاوردهای اصلی جنگ احزاب

از نتایج فوق العاده مهم جنگ احزاب برای مسلمین در هم شکستن پایه‌های قدرت دشمنان اسلام بود. به طوری که علاوه بر نابود شدن هیبت ظاهری آنها در ادامه نیز با افول قدرت مواجه شدند و زمینه برای تسلط مسلمین بر آنان آماده و مهیا گردید. چراکه بعد از جنگ احزاب، به علت خیانت طایفه‌های عهدشکن یهودی توسط مسلمین قلع و قمع شدند. چون آنها علیه مسلمین عملاً وارد جنگ شده و ناقض پیمان خود با مسلمین شده بودند و همچنین اقدام مسلمین در نابودی یهودیان عهدشکن زمینه‌ای برای نابودی و شکست دیگر دشمنان و باعث ترس بیش از پیش آنان از قدرت مسلمین گردید و این امر محکم شدن و ثبات پایه‌ها و ستون‌های اسلام را در پی داشت.

۱. جریان اسلام

جریان نوپا و نوظهور و توحیدی اسلام که در معرض خطر و سختی قرار گرفته بود در مدینه متمرکز بود. مسلمین هرچند از لحاظ تعداد نفرات و همچنین تجهیزات جنگی بسیار کم‌تر از نیروهای کفر بودند ولی با قلبی سرشار از ایمان و با امید به وعده‌های الهی به میدان آمدند. فرماندهی شخص پیامبر اکرم (ص) در این جنگ و ایمان راسخ ایشان در تقویت روحیه رزمندگان اسلام بسیار مؤثر می‌نمود. آری جریان اسلام هرچند از لحاظ ظاهری ضعیف‌تر می‌نمود ولی با اتکال به خداوند متان و استمداد از نیروهای غیبی به پیروزی امیدوار بود ضمن اینکه آنها شهادت را هم پیروزی می‌دانستند:

﴿هل تریضون بنا إلا احدى الحسنین﴾ (توبه/ ۵۲)

«بگو: آیا جز یکی از آن دو نیکی، انتظار چیز دیگری را برای ما دارید»

خداوند متعال نیز به پیامبرش وعده یاری داده بود:

﴿یا ایها الذین آمنوا اذکرو نعمه الله علیکم اذ جاءکم جنود فارس لنا علیهم ریحاً و جنود آل

تروها...﴾ (احزاب/ ۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از نعمتی که خدا به شما داده است یاد کنید، بدان هنگام که لشکرها بر سر شما تاخت آوردند و ما باد را و

لشکرهایی که نمی‌دیدید بر سرشان فرستادیم و...»

مسلمین با مجهز شدن به این نیروهای معنوی با تمام قوا آماده جهاد گردیدند و در این جنگ بزرگ مورد آزمایش سخت قرار گرفتند. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه آورده است:

﴿هناك ابتلى المؤمنون وزلزلوا زلزلا شديدا﴾ (احزاب/ ۱۱)

«در آنجا مؤمنان در معرض امتحان درآمدند و سخت متزلزل شدند»

کلمه «هناك» که اسم اشاره و مخصوص اشاره به دور است، دور از جهت زمان، و یا دور از جهت مکان، در اینجا اشاره است به زمان آمدن آن لشکرها، که برای مسلمانان مشکلی بود که حل آن بسیار دور به نظر می‌رسید، و کلمه «ابتلى» به معنای امتحان و «زلزال» به معنای اضطراب و «شده» به معنای قوت است؛ و معنای آیه این است که در آن زمان سخت، مؤمنین امتحان شدند و از ترس دچار اضطرابی سخت گشتند.

۲. علائم و عکس العمل مؤمنین در هنگام جنگ

مؤمنین واقعی از ثبات قدم و عزمی راسخ برخوردارند؛ در طوفان‌های سهمگین و خوفناک همواره یاریگر اولیاء الهی بوده‌اند و در این جنگ نیز ایمان قلبی خود را نشان دادند. به طوری که خداوند متعال در کتابش در مورد آن‌ها می‌فرماید:

﴿ولما رأوا المؤمنين الاحزاب قالوا هانما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله﴾

(احزاب/ ۲۲)

«و چون مؤمنان احزاب را دیدند، گفتند: این همان وعده‌ای است که خدا و رسولش به ما داد و خدا و رسولش راست گفتند»

مؤمنین راستین به خلاف عکس العمل منافقین و بیماردلانی بود که در هنگامه نبرد نسبت به خداوند متعال و رسول گرامی‌اش سخنان زشتی بر زبان آوردند و گفتند:

﴿ما وعدنا الله ورسوله إلا غورا﴾ (احزاب/ ۱۲)

«خدا و رسولش جز فریبی به ما وعده ندادند»

این مؤمنین نه تنها دچار ضعف و شک و تردید در دفاع از اسلام نشدند بلکه در هنگام رویارویی با دشمنان اسلام بر ایمان و عزمشان افزوده شد:

﴿وما زادهم إلا ایمانا وتسليما﴾ (احزاب/ ۲۲)

«و از دیدن احزاب جز بیش تر شدن ایمان و تسلیم بهره‌ای نگرفتند» خداوند متعال از این مؤمنین راستین به نیکی یاد کرده و در شأن آن‌ها فرموده است: ﴿من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا﴾ (احزاب/۲۳)

«بعضی از مؤمنان مردانی هستند که بر هرچه با خدا عهد بستند وفا کردند، پس بعضی‌شان از دنیا رفتند و بعضی دیگر منتظرند و هیچ چیز را تبدیل نکردند»

به همت پایمردی و استقامت مؤمنین نتیجه مطلوب برای مسلمین حاصل شد و کفار با خشم و ناراحتی از اینکه نتوانستند کاری از پیش ببرند برگشتند و یهودیان فتنه‌گر اهل کتاب نیز بعد از این ماجرا توسط مسلمین تار و مار شدند. نتیجه این استقامت و پایمردی مسلمین بسیار عظیم بود به گونه‌ای که از سلیمان بن صرد نقل شده که گفت: «رسول خدا(ص) بعد از پایان یافتن احزاب فرمود: دیگر از این به بعد کفار به ما حمله نخواهند کرد، بلکه ما با ایشان می‌جنگیم و همینطور هم شد و بعد از جنگ احزاب دیگر قریش هوس جنگیدن نکرد، و رسول خدا(ص) با ایشان جنگید تا آنکه مکه را فتح کرد» (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۸: ۳۴۵-۳۴۰).

۳. مدیریت زمان و استفاده حداکثری از آن

یکی از نکات مهم در جنگ احزاب استفاده بهینه از زمان توسط شخص رسول اکرم(ص) است. رسول گرامی اسلام به محض شنیدن حرکت سپاه کفر به سمت مدینه از زمان استفاده صحیح نمود و قبل از رسیدن سپاه کفر به مدینه دستور حفر خندق به دور مدینه را صادر نمود به طوری که در هنگام رسیدن دشمنان اسلام کار خندق به اتمام رسیده بود در حالی که اگر از این زمان استفاده حداکثری نمی‌شد چه بسا قبل از پایان کار خندق دشمن وارد مدینه می‌شد و کار جنگ به نفع دشمنان اسلام به اتمام می‌رسید. زمان سنجی و استفاده از زمان بعد از جنگ احزاب نیز توسط پیامبر اکرم(ص) انجام گرفت بدین صورت که بلافاصله بعد از پراکنده شدن سپاه دشمن و بعد از اینکه اطمینان حاصل گردید که احزاب برگشته‌اند بدون فوت وقت و بدون تأخیر و درنگ فوراً

دستور جنگ با یهودیان فتنه‌گر و عهدشکن را دادند و در این فرصت خطر بالقوه آن‌ها را سریعاً از مسلمین در آن مقطع از زمان دفع فرمودند و این خود درسی دیگر است از حضرت ختمی مرتبت (ص) که خداوند در شأن ایشان می‌فرماید:

﴿لقد كان لكرم في رسول الله أسوة حسنة...﴾ (احزاب/۲۱)

«به درستی که در رسول خدا برای شما الگویی نیکو است»

جریان کفر

جریان کفر همواره در طول تاریخ در نقطه مقابل جریان توحیدی قرار داشته است و دارد. در آیات مربوط به جنگ احزاب این بار کفار قریش به همراهی قبایل هم‌پیمان خود فرماندهی این جنگ علیه مسلمانان را بر عهده داشتند که مانند جنگ‌های قبلی اسلام و کفر، /بوسفیان نقش محوری و فرماندهی را عهده دار بود. چیزی که در این جنگ نسبت به جنگ‌های دیگر مشهود می‌نماید همراه شدن اهل کتاب از یهودیان مدینه با آنان بود، چون که همانطوری که گفته شد این بار جریان کفر برای براندازی و ریشه کنی کامل اسلام و موفقیت در این هدف با تمام قوا و نیروهای داخلی و خارجی آمده بود تا دیگر نامی و نشانی از اسلام نماند و آن را برای همیشه محو نمایند. ایستادن جریان کفر در مقابل جریان‌های توحیدی مطلب تازه‌ای نیست و اختصاص به جنگ احزاب ندارد و همواره در طول تاریخ و در طی رسالت پیامبران گذشته نیز درگیری‌ها و جنگ‌های زیادی بین این دو جریان صورت گرفته است. بیماری نفاق که در بحران‌های شدید ظاهر می‌شود و موجب هلاکت مردم می‌شود ابعاد مختلف دارد. شناخت ابعاد اجتماعی نفاق برای قدرت حاکم یک ضرورت است تا این طوفان سبب از میان رفتن و سلب برکت و نفی جنبه‌های مثبت زندگی امت نشود (مترجمان، ۱۳۷۷ ش).

جریان نفاق

جریان نفاق در جنگ احزاب نیز نقشی خطرناک علیه سپاه اسلام ایفا کرد. منافقین از جهات مختلفی هم قبل از جنگ و هم در حین جنگ قصد ضربه وارد کردن به مسلمین را بر عهده داشتند. آن‌ها با دادن اطلاعات مختلف به کفار مکه و همچنین

تحریک آن‌ها برای آغاز نمودن جنگی سهمناک علیه مسلمانان در شروع کردن جنگ علیه مسلمانان مؤثر بودند و مناسب با هر شرایطی طرحی شیطانی می‌ریختند. همواره شناسایی جریان‌های نفاق آلود کاری مشکل است زیرا آن‌ها با ظاهر دین مدارانه و در لباس مسلمین هستند ولی در قلب اعتقادی به دین ندارند؛ خداوند متعال در جای جای قرآن کریم از این گروه انتقاد کرده و فرموده است: «گرایش‌های قلبی و فطری انسان، یک چیز بیش‌تر نیست و هرچه انسان بر خلاف آن بگوید یا عمل کند نفاق شخصی اوست نه اراده الهی و «ما جعل الله لرجل من قلبین» (قرآنی، ۱۳۸۲ ش).

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ﴾ (نساء/۱۴۵)

«هرآینه منافقان در فروترین طبقات آتش هستند»

منافقین با ظاهری دینی در میان صفوف مسلمین قرار دارند و دشمنی و کینه خود را به صورت آشکار علنی نمی‌سازند بنابراین شناسایی آن‌ها بس مشکل است. چون در میان مسلمین هستند به راحتی به شرایط مختلف مسلمین آگاه‌اند و هر موقع که فرصت را مناسب بدانند خنجر کینه را از پشت بر کمر مسلمین فرو می‌برند. همین مطلب قابل شناسایی نبودن این دشمنان خطرناک اسلام در موارد متعددی زمینه‌ساز خطرهای فراوانی برای سپاه اسلام بوده است. خداوند متعال در این سوره و در جای جای قرآن کریم به مناسبت‌های مختلف ضمن اشاره به منافقین و خصوصیات و رفتار و منش از این گروه به شدت انتقاد فرموده و وعده عذاب داده است.

علائم شناخت نفاق و منافقین از منظر سوره احزاب

هرچند شناسایی اهل نفاق در کل امری دشوار است ولی با تأمل دقیق در آیات نازل شده در مورد این گروه می‌توان تا حدودی در شناخت آن‌ها از بقیه مردم موفق بود که در این مقاله تنها به بعضی از خصوصیات این گروه به صورت مختصر پرداخته می‌شود.

۱. ایجاد شک و تردید

منافقین در آن شرایط جنگ، گاه به میان مسلمانان رفته و با دروغ خواندن وعده‌های خداوند و رسول گرامی‌اش در صدد ایجاد شک و تردید در میان مسلمین برمی‌آمدند.

قرآن کریم با اشاره به این موضوع در مورد منافقان جنگ احزاب می‌فرماید:

﴿وَأَذِيقُوا الْمُنَافِقِينَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَا وَعَدْنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا﴾
(احزاب/۱۲)

«و هنگامی که منافقان و بیماردلان گفتند: و خدا و رسولش جز فریبی به ما وعده ندادند»

۲.۱ ایجاد رعب در میان مسلمین

گاهی قصد به پشت انداختن و ترسانیدن مسلمین را داشتند.

﴿وَأَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا﴾ (احزاب/۱۳)

«هنگامی که طایفه‌ای از آن‌ها گفتند: ای اهل مدینه دیگر جای درنگ برای تان نیست، برگردید»

منافقین به اهل یثرب می‌گفتند: که شما توان مقابله با کفار را ندارید و با ظاهری خیرخواهانه به مسلمین می‌گفتند در این جنگ شرکت نکنید که کشته خواهید شد.

۳. فرار از جنگ و تشویق دیگران به فرار

منافقین خود نیز عملاً از شرکت در جنگ فرار می‌کردند و با آوردن بهانه‌های دروغین قصد فرار از جنگ را داشتند زیرا آن‌ها هرچند در جامعه مسلمانان و در میان آن‌ها زندگی می‌کردند ولی در باطن هیچ اعتقادی به اسلام نداشتند. قرآن کریم به بهانه تراشی آن‌ها برای فرار از جنگ اشاره می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِذْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا﴾
(احزاب/۱۳)

«عده‌ای از ایشان (منافقین) از پیامبر اجازه برگشتن گرفتند، به این بهانه که گفتند خانه‌های ما در و بام محکمی ندارد در حالی که چنین نبود و منظوری جز فرار نداشتند»

آری منافقین به این بهانه‌ها قصد شرکت نکردن در جنگ را داشتند چون همانطور که گفته شد اسلام و مبانی اسلامی در قلوب آن‌ها وجود نداشت.

۴. ترس دائمی

ترسو بودن یکی دیگر از مشخصه‌های منافقین است که این ترس در مواقع سخت و حساس جنگ، نمودی بیش‌تر یافته و آشکارتر می‌گردد:

﴿فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفَ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذُكِرَ الْمَوْتُ بَلَغُوا الْحَدِيثَ...﴾ (احزاب/ ۱۹)

«هنگامی که پای ترس به میان می‌آید ایشان را می‌بینی که وقتی به تو نگاه می‌کنند مانند کسی که به غشوه مرگ افتاده، حدقه‌هایش می‌چرخد ولی چون ترس تمام شود با زبان‌هایی تیز به شما طعن می‌زنند»

آری ترس آن‌ها منحصر به همان لحظه جنگ نیست بلکه حتی بعد از جنگ و متفرق شدن و دورشدن دشمنان باز هم به شدت احساس ترس و اضطراب دارند که مبادا دشمنان هنوز نرفته باشند و یا اینکه برگردند.

﴿تَحْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَأَنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّ وَالْوَأَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ...﴾ (احزاب/ ۲۰)

«پنداشتند احزاب هنوز نرفته‌اند و اگر هم برگردند، دوست می‌دارند ای کاش به بادیه رفته بودند و از آنجا جویای حال شما می‌شدند»

۵. مثمر ثمر نبودن

مثمر ثمر نبودن منافقین در هنگام جنگ نیز از مشخصه‌های این گروه است:

﴿وَلَوْ كَانُوا فَئِمَّةً لَأَقْبَلُوا الْقِتَالَ﴾

«و به فرضی هم اگر در میان شما باشند جز اندکی قتال نمی‌کنند»

«این گروه چنانچه به طور تصادف در صحنه جنگ حضور یابند نه به قصد دفاع از حریم اسلام است بلکه فقط به منظور اینکه از مخالفت و اعتراض مسلمانان ایمن گردند» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳: ۷۳). در این مجال فقط به قسمتی از خصوصیات و مشخصه‌های منافقین پرداخته شد و بررسی تمام خصوصیات آن‌ها نیازمند به طرح آن در کتاب‌های حجیم‌تر و مفصل‌تر می‌باشد که البته محققین اسلامی در این

زمینه نیز از این موضوع غافل نمانده‌اند. بعد از بحث در مورد جریان اسلام و نفاق نوبت به بحث در مورد جریان فتنه یهودیت و اهل کتاب می‌رسد.

جریان یهودیان اهل کتاب

اهل کتاب از موقع ظهور دین توحیدی اسلام همواره به علت‌های مختلف و در نقطه مقابل اسلام قرار گرفته‌اند. این جماعت هرچند در ظاهر معتقد به ادیان توحیدی یهودیت و مسیحیت می‌باشند و هرچند در میان آنان افراد و شخصیت‌های مقبولی نیز وجود دارد ولی عموماً و غالباً در فتنه‌های علیه اسلام نقشی مهم را ایفا می‌کنند. خداوند متعال در جای جای قرآن کریم و در مناسبت‌های مختلف از ایشان یاد کرده و غالباً از آن‌ها به دلیل نپذیرفتن دین حق که همان اسلام است انتقاد فرموده است. این جماعت همواره با کشیدن طرح‌های سیاسی، نظامی و تفرقه‌انگیزانه و طُرُق دیگر قصد ضربه وارد کردن به کیان و نظام اسلامی را داشته و به صورت‌های مستقیم و غیر مستقیم وارد عمل شده‌اند. در سوره مبارکه احزاب نیز ضمن یادآوری جریان جنگ احزاب از اهل کتاب نیز یاد شده است که نقش بسیار مؤثر و خطرناکی را در آوردن سپاه کفر بر سر مسلمانان داشتند. قابل ذکر است که در این سوره منظور از اهل کتاب یهودیان اطراف مدینه (بنی قریظه و بنی نضیر) می‌باشد. گروهی از سران یهود به مکه (محور کفر در آن زمان) رفتند و با اشاره به وضعیت موجود و با توجه به اینکه می‌اندیشیدند که فرصت مناسبی برای ریشه کنی مسلمین فراهم آمده است کفار مکه را تحریک و تشویق می‌کردند که کار مسلمین را یکسره سازند زیرا کفار مکه بعد از جنگ قبلی‌شان با مسلمین یعنی در جنگ احد (که با پیروزی ظاهری کفار و شکست مسلمین همراه بود) دارای روحیه مناسبی برای جنگی دیگر بودند؛ ضمن اینکه اتحاد کفار با قبایل هم‌پیمان خود و همچنین یهودیان اطراف مدینه و استفاده از جریان نفاق در داخل صفوف مسلمین و نیز شکست مسلمین در جنگ احد و ضعف روحیه مسلمین برای جنگی دیگر همه و همه برای طرح و اجرای نقشه جنگی دیگر علیه مسلمین و ریشه کن ساختن مسلمین از سوی یهودیان مؤثر بود لذا فتنه جنگ احزاب را طرح ریزی کردند. این طرح

علی رغم همه حسابگری اهل کتاب اطراف مدینه دقیقاً باعث نابودی و ریشه کنی خودشان گردید:

﴿ومکرواومکرالله والله خیر الماکرین﴾ (آل عمران / ۵۴)

«آنان مکر کردند، و خدا هم مکر کرد و خدا بهترین مکرکنندگان است»

۱. ایجاد فتنه روش معمول اهل کتاب

اینکه چرا فرماندهی جنگ علیه مسلمین بر عهده کفار مکه بود خود نیاز به بررسی و توجه دارد. اهل کتاب که عامل اصلی تشویق و تحریک کفار برای جنگ علیه مسلمین بودند هرچند از لحاظ کینه توزی و دشمنی با مسلمین چیزی از کفار مکه نداشتند ولی عملاً در این جنگ فرماندهی این جنگ و هسته اصلی جنگ را تشکیل ندادند و خود تنها در گوشه و حاشیه این جنگ قرار گرفتند؛ این روش اهل کتاب امروزه نیز کم و بیش در جریان‌ها و جنگ‌های مختلف بین کشورها به چشم می‌خورد که این عمل با تفاوت‌های اندکی شبیه اعمال منافقین می‌باشد. آری این دو گروه یعنی اهل کتاب و منافقین در این خصیصه مشترک هستند که فتنه را به راه می‌اندازند و خود در حاشیه امنی قرار می‌گیرند به این صورت که اگر کفار پیروز شدند که نتیجه مطلوب برای‌شان حاصل می‌گردد و در غیر این صورت، یعنی در صورت پیروزی مسلمین، باز هم بهانه کافی برای فرار از انتقام مسلمین را دارند و با این سخنان که ما مستقیماً در جنگ دخالتی نداشته‌ایم خود را از آثار احتمالی انتقام مسلمین می‌رهانند. ضمن اینکه آن‌ها با قرار گرفتن در حاشیه امن جنگ از آثار ویرانی‌ها و کشتارها هم خود را محفوظ می‌دارند این گروه‌های اهل کتاب در این نوع حيله و فتنه با منافقین اشتراک دارند. هرچند که اهل کتاب در آن نتوانستند با انجام این کار از عواقب و آثار عملشان در ایجاد فتنه بر علیه مسلمین در امان بمانند و شخص پیامبر اکرم (ص) با اشاره حضرت باری تعالی آن‌ها را قلع و قمع فرمودند ولی مسئولین و سران امت‌های اسلامی باید به این موضوع توجه جدی بنمایند و در برخورد با اهل کتاب تمام جوانب قضایا و علل فتنه‌ها را به طور کامل بشناسند و بسنجند و آنگاه تصمیم لازم و مناسب را اتخاذ نمایند.

برداشت هایی از جریان جنگ احزاب

۱. قاطعیت در برخورد با فتنه‌گران

جنگ احزاب را یهودیان فتنه‌گر اطراف مدینه پایه ریزی کردند که ضمن تشویق و تحریک سپاه کفر؛ خود نیز با آنان بر علیه مسلمین عملاً وارد جنگ شدند. ﴿الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ﴾ (بقره/ ۱۹۱)؛ «فتنه از قتل بدتر است». فتنه آن‌ها بس عظیم و خطرناک بود به همین جهت پیامبر اکرم (ص) بعد از پراکنده شدن سپاهیان کفر از اطراف مدینه فوراً عازم جنگ با یهودیان فتنه‌گر و عهد شکن شد و با قلع و قمع آنان در آن زمان خطر بالقوه آن‌ها را برای همیشه از مدینه و مسلمین دفع فرمود. قرآن کریم در ضمن سوره احزاب به برخورد قاطع پیامبر اکرم (ص) با فتنه‌گران یهود اشاره می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوا مِنْهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صِياصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرِّيبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا﴾ (احزاب/ ۲۶)

«و یاران کتابی ایشان را که کمکشان کردند از قلعه‌های‌شان بیرون کرد و ترس در دل‌های‌شان بیفکند عده‌ای از ایشان را کشتید و جمعی را اسیر کردید»

﴿وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَّوُّوها وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا﴾ (احزاب/ ۲۷)

«و سرزمین ایشان و خانه‌های‌شان و اموال‌شان و زمینی را که تا امروز در آن قدم ننهاده بودید همه را به شما به ارث داد و خدا همواره بر هر چیزی تواناست»

این برخورد قاطع رسول گرامی با عوامل اصلی فتنه درسی برای امت‌های و دولت‌های اسلامی است که ضمن اینکه همیشه بر تحرکات فتنه‌گران داخلی و خارجی اشراف داشته باشند. در صورت فرصت مناسب سریعاً خطر آنان را برای همیشه از سرزمین‌های اسلامی دفع نمایند؛ زیرا جریان فتنه همواره مترصد برای نابودی نظام و کیان اسلامی می‌باشد و این اژدهای خفته اگر در موقع مناسب با تدابیر صحیح و قاطع سرکوب نشود هر آن احتمال بیدار شدن آن می‌رود. خطری که ممکن است جبرانش برای مسلمین بسیار مشکل و یا حتی غیر قابل جبران باشد. لذا مسئولین ممالک اسلامی در صورت اثبات فتنه‌گری گروهی داخلی یا خارجی نباید صرفاً به برخوردی سطحی و مقطعی اکتفا

نمایند بلکه باید با مدیریت صحیح درخت فتنه را با تدبیر مناسب از اساس برکنند و ریشه‌کن ساخت.

۲. عدم اطمینان به عهد و پیمان اهل کتاب

یکی از موارد قابل برداشت از آیات مربوط به جنگ احزاب این است که نباید به طور کامل و قطعی به عهد و پیمان اهل کتاب اعتماد کرد زیرا به جز گروه اندکی بقیه همواره مترصد فرصت برای ضربه زدن بر اسلام و امت‌های اسلامی بوده و هستند. آن‌ها معمولاً هنگامی که شرایط و قدرت کافی را ندارند از در صلح و سازش واردی می‌شوند و با لبخندهای دروغین با امت‌های اسلامی طرح دوستی می‌ریزند ولی هیچ‌گاه از ضربه وارد کردن بر امت اسلام در شرایط مناسب غافل نمی‌مانند کما اینکه در عصر حاضر نیز گهگاه شاهد این برخوردهای مختلف آن‌ها هستیم که گاهی با زور مقاصد خود را پیش می‌برند و گاهی هم که به علت عدم قدرت یا نبودن فرصت دم از دوستی و همسایگی می‌زنند ولی همواره در کمین و مترصد فرصت هستند.

۳. مشورت در اسلام

یکی از نتایج مهم اجتماعی که از آیات سوره احزاب در طول جنگ احزاب به دست می‌آید موضوع مشورت کردن است. دشمنان اسلام با تمام قوا و تجهیزات جنگی و همچنین با جمعیتی بسیار بیش‌تر از مسلمانان به جنگ آمده بودند و سپاه اسلام اگر در این شرایط چاره‌ای نمی‌اندیشید به طور حتم متحمل شکستی قطعی و نابودگر می‌شد. در اینجا بود که منجی عالم بشریت حضرت ختمی مرتبت (ص) با مسلمین و یاران خود به مشورت برخاست تا با همفکری و مشورت به راه حلی مناسب برای طریقه برخورد با کفار دست یابند.

﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾ (شوری / ۳۸)

«و کارشان بر پایه مشورت با یکدیگر است»

بعد از مشورت سرانجام با طرح سلمان فارسی برای حفر خندق در اطراف شهر مدینه موافقت شد که اتفاقاً بسیار هم مؤثر افتاد و با این نقشه که از سوی سلمان فارسی ریخته

شد و همبستگی مسلمین در اجرای طرح کفار و دشمنان اسلام بدون اینکه به هیچ یک از اهداف شوم خود دست یابند با سرشکستگی تمام از اطراف مدینه پراکنده شدند و جنگ در نهایت با پیروزی مسلمین همراه شد.

۴.۴. امدادهای غیبی

همواره در طول تاریخ رسالت انبیاء خداوند متعال به یاری مؤمنین و پیامبرانش شتافته است که جریان این امدادها از سوی خداوند متعال در قرآن کریم در ضمن شرح احوال پیامبران (ع) و داستان‌های قرآنی آمده است. در جریان جنگ احزاب و در شرایط سخت خداوند نیز پیامبر اکرم (ص) و مؤمنین را تنها نگذاشت و با فرستادن باد و طوفان سرد و سربازانی از ملائکه به یاری آن‌ها شتافت. همانطور که قبلاً اشاره شد آیه:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا﴾ (احزاب/۹)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از نعمتی که خدا به شما داده است یاد کنید بدان هنگام که لشکرها بر سر شما تاخت آوردند و ما باد و لشکرهایی را که نمی‌دیدید بر سرشان فرستادیم»

مؤید این مطلب است. این نیروی غیبی الهی همیشه در طول تاریخ لطفی از سوی خداوند منان در مقاطع بسیار سخت برای یاری و نصرت دین خود بوده است.

۵. لزوم آمادگی رزمی و جسمانی

از نکات قابل توجه و قابل برداشت در جریان جنگ احزاب داشتن آمادگی همیشگی رزمی و همچنین برای برخورد با دشمنان اسلام می‌باشد. در جریان جنگ احزاب یکی از دشمنان اسلام که از خندق عبور کرد. عمرو بن عبدود از پهلوانان نامی کفار بود که بعد از عبور از خندق و مواجهه با سپاه اسلام به طریقی بسیار اهانت آمیز مسلمین را به جنگ تن به تن دعوت کرد ولی مسلمانان که یارای مقابله با او را نداشتند نمی‌توانستند با او مبارزه کنند. در این هنگام بود که پاسدار همیشگی اسلام دلاورمرد سپاه اسلام یعنی امام علی (ع) در مبارزه‌ای سخت آن ملعون را با شمشیر از پای درآورد که ارزش

ضربه شمشیر امام علی(ع) در به هلاکت رساندن عمرو بن عبدود در حدی ارزشمند بود که پیامبر اکرم(ص) ضربه امام(ع) را برتر از عبادت جن و انس خواندند. و فرمودند: «ضربه علی علیه السلام از عبادت امتم تا روز قیامت بالاتر است» (نهایندی سلگی، ۱۳۷۶ش). آری سربازان امت اسلام نیز باید با داشتن آمادگی جسمانی و رزمی و یادگیری فنون نظامی و جنگی در مواقع حساس به یاری سپاه اسلام بپردازند.

۶. طرح نقشه‌های دقیق و حسابگرانه

هنگامی که کفار، سپاه اسلام را به طور کامل محاصره کردند یکی از کفار به نام نعیم بن مسعود/شجعی در همان موقع به خدمت رسول گرامی آمد و اسلام آورد. در این شرایط که هنوز کفار و اهل کتاب از اسلام آوردن او بی‌خبر بودن و فردی سرشناس هم بود، پیامبر از او برای ایجاد تفرقه و پراکندگی در سپاه کفر استفاده نمودند به طوری که نعیم بن مسعود با رفتن به اردوگاه‌های مختلف قبایل کفار و اهل کتاب با اجرای نقشه و طرحی زیرکانه سبب تفرقه و جدایی میان آن‌ها و ایجاد ترس و رعب و وحشت و عدم اطمینان به هم در اردوگاه دشمنان بود و همین امر سبب پراکنده شدن دشمنان اسلام در اطراف مدینه گردید.

نتیجه بحث

داشتن آمادگی رزمی به طور دائم برای امت‌های اسلامی ضروری است. لزوم داشتن اطلاعات کافی از زمان حرکت و تعداد نفرات و تجهیزات دشمن امری حیاتی در نحوه تصمیم‌گیری دقیق‌تر برای طریقه دفاع مؤثرتر و مقابله با دشمن است. استفاده بهینه و صحیح از زمان در حین جنگ. مشورت در امور مختلف حکومت اسلامی از خصوصیات حاکمان اسلامی است. داشتن روحیه جنگی تحت هر شرایطی و تسلیم نشدن در برابر دشمنان دین از مشخصات سپاه اسلام است. همواره امدادهای غیبی الهی بر سپاهیان مخلص اسلام عامل دلگرمی سپاه اسلام و مستأصل شدن دشمنان اسلام بوده است.

دشمنان اسلام هرچند در ظاهر متحد هستند ولی در اساس معمولاً دچار تفرقه و پراکندگی هستند.

فتنه‌گری و ایجاد جنگ و آشوب در میان حکومت‌های اسلامی خصوصیت مشترک اهل کتاب و منافقین است.

فتنه‌گری در اسلام حتی از قتل خطرناک‌تر است.

سپاه کفر به علت مجهز نبودن به نیروی معنوی و الهی در برابر فشارها و مقاومت‌ها خیلی سریع دچار پراکندگی و تفرقه می‌شود و دارای عزم راسخ نمی‌باشد.

اتحاد اهل کتاب با کفر ادیان غیر توحیدی علیه اسلام از صدر اسلام مطرح بوده است و امروزه نیز شاهد آن می‌باشیم.

ریشه کنی فتنه امری ضروری برای بقای نظام اسلامی است.

پیامبر اکرم(ص) الگویی کامل در همه زمینه‌ها برای امت‌ها می‌باشند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- حسینی همدانی، محمد حسین. ۱۴۰۴ق، تفسیر انوار درخشان، چاپ اول، تهران: لطفی.
- زواره‌ای، علی بن حسین. ۱۳۸۲ش، کشف الغمة، چاپ سوم، تهران: اسلامیه.
- طباطبایی، محمد حسین. ۱۴۰۶ق، المیزان فی تفسیر القرآن، تصحیح و تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو.
- قرااتی، محسن. ۱۳۸۲ش، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مترجمان. ۱۳۶۰ش، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، تهران: فراهانی.
- مترجمان. ۱۳۷۷ش، تفسیر هدایت، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نہاوندی سلگی، علی. ۱۳۷۶ش، ارشاد القلوب، چاپ اول، قم: ناصر.

Bibliography

- The Holy Quran .
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram. 1414 AH, Arabic language, third edition, Beirut: Dar Sader. Hosseini Hamedani, Mohammad Hossein 1404 AH, Tafsir Anvar Derakhshan, first edition, Tehran: Lotfi .
- Zavarehei, Ali Ibn Hussein. 2003, Kashf al-Ghamma, third edition, Tehran: Islamieh .
- Tabatabai, Mohammad Hussein 1406 AH, Al-Mizan in the interpretation of the Qur'an, corrected and researched by Seyed Hashem Rasooli Mahallati, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi .
- Tabarsi, Fazl Ibn Hassan 1993, Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, third edition, Tehran: Naser Khosrow .
- Qaraati, Mohsen 2003, Tafsir Noor, 11th edition, Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran. Translators. 2003, translation of Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, first edition, Tehran: Farahani. Translators. 1998, Tafsir Hedayat, first edition, Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation. Makarem Shirazi, Nasser. 1995, Sample Interpretation, First Edition, Tehran: Dar Al-Kotob Al-Eslamiyeh .
- Nahavandi Solgi, Ali. 1997, Ershad Al-Qolub, first edition, Qom: Nasser.

Rheology of Surah Al-Ahzab

Data of Receiving: February 9, 2018

Date of Acceptance: May 3, 2019

Ruhollah Zaheri: Master of Quranic and Hadith Sciences, Instructor of Islamic Studies, Payame Noor University of Ilam. rohollahzaheri1360@yahoo.com

Abstract

The Holy Quran, which is full of light and guidance, is guidance in various aspects of human life. In this article, one of the surahs of the Holy Quran has been selected and by investigating one of the topics of this surah, the issue of rheology has been investigated by focusing on the surah of the Holy Quran. In this surah, topics such as "Zahar, adopted son, Ulu al-Arham, war of the parties (Khandagh), Ahle Ketab (Jews of Bani Nazir, etc.), disobedience to infidels and hypocrites, marriage, divorce, hejab, getting permission when entering the house, the trend of Afak, the offering of divine trust to human beings, etc." has been stated. But in this article, focusing on the war between the parties (Khandagh), only the subject of "rheology" is investigated. The method of collecting materials in this discourse is library method and using interpretive and hadith software and using different Quranic sites.

Keywords: Holy Quran, Surah Al-Ahzab, Rheology, Hypocrisy.